

Iran and China's Revisionism in the International System: Challenges and Achievements of the 25-Year Agreement

Hadi Torki¹

1. Visiting Professor at the University of Tehran, Ph.D. in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.
E-mail: haditorki1366@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 Nov 2024

Received in revised form:
29 Jan 2025

Accepted: 22 Feb 2025

Published online: 04 Sep 2025

Keywords:

25-year Iran-China agreement,
revisionism,
China,
Iran.

ABSTRACT

The 25-year agreement between Iran and China is one of the most significant agreements for Iran since the Islamic Revolution, occurring during a transitional period toward a new international political order. Amid intense competition between the U.S. and China, finding a new and impactful role for countries like Iran is crucial. This study focuses on the effects and outcomes of the 25-year agreement between the two countries, aiming to answer the question: What are the implications of this agreement for Iran and China? The article hypothesizes that the strategic partnership benefits both sides, with Iran gaining economic advantages, becoming a stabilizing force in the region, and strengthening its role in the Middle East, while China secures access to cheap oil, sells high-priced goods to Iran, and uses Iran as a counterbalance to the U.S., diverting American attention from East Asia. The findings indicate that, based on revisionism in the international system, Iran and China are closely aligned. China, as an unlimited-revisionist actor, seeks global hegemony, while Iran, as a limited-revisionist actor, aims to enhance its international standing and maintain its regional role in West Asia. The study employs the trend impact analysis method and the theoretical framework of revisionist states.

Cite this article: Torki, H. (2025). Iran and China's Revisionism in the International System: Challenges and Achievements of the 25-Year Agreement. *International Political Economy Studies*, 8 (1), 153-168. <http://doi.org/10.22126/ipes.2025.9867.1619> (in Persian).



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22126/ipes.2025.9867.1619>

Publisher: Razi University

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Introduction

China and Iran are two countries located on opposite sides of the vast Asian continent, sharing various common needs and concerns. China aspires to become a hegemonic power, and this ambition presents a significant arena for competition with the United States. Similarly, Iran is a key player in West Asia, capable of aligning with China in its competition with the U.S. The alignment between Iran and China becomes more evident when considering China's need for energy and Iran's lack of access to global energy markets due to sanctions. This situation has created a relatively unified approach between the two nations. Additionally, their stance in political interactions is also significant. Both countries oppose the U.S.-led status quo, specifically the liberal democratic system and Western countries in general. Iran and China adopt a critical and revisionist approach toward the prevailing global order, seeking to transform it in line with their preferred political and economic ideologies.

2. Theoretical Framework

This article utilizes the theory of revisionist states. According to Schuler, states can be categorized as either limited-revisionist or unlimited-revisionist. Limited-revisionist states align with Waltz's ideas and refrain from using aggressive tools. However, unlimited-revisionist states, influenced by domestic factors, challenge the fundamental principles and rules of the established order, seeking substantial and foundational changes to the current system. Correspondingly, they aim to elevate their status within the existing international order. This suggests that revisionism at the international level involves altering the roles of states and political systems. Achieving this role motivates revisionist states to pursue their objectives through political, diplomatic, economic, and military means, as well as alliances and coalitions.

3. Research Methodology

The study employs the "trend impact analysis" method. This approach provides an analytical map by examining both current issues and prospects. Trends represent a continuous chain of events that define the present situation and offer insights into potential future positions. Trend impact analysis serves as a predictive tool by identifying the nature, causes, and potential consequences of these developments.

4. Discussion and Research Findings

Within the framework of bilateral relations, China and Iran signed a 25-year strategic cooperation agreement on March 27, 2021, coinciding with the 50th anniversary of their diplomatic ties. It is estimated that under this agreement, China will invest approximately \$600 billion in Iran. Findings indicate that the approach and actions of China and Iran are influenced by three key factors: (1) Iran and China are strategic partners for the future in West Asia; (2) Iran serves as a stabilizing force in West Asia, a role emphasized by China; and (3) geoeconomic, geostrategic, and geoenergy considerations are critical for China. However, this relationship faces significant challenges, including: (1) issues related to FATF that hinder the realization of mutual goals; (2) Iran's low-cost oil sales; (3) high costs of goods and limited trade options for Iran; and (4) increased risk costs in bilateral trade exchanges.

5. Conclusion

The research findings reveal that, based on revisionism in the international system, Iran and China are interconnected. China, as an unlimited-revisionist actor, seeks to achieve global hegemony, while Iran, as a limited-revisionist actor, aims to enhance its position in the

international system. The 25-year agreement could have implications for both parties. However, historical trends indicate a lack of convergence and alignment among major powers (e.g., the U.S. and China).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجدیدنظرطلبی ایران و چین در نظام بین الملل؛ چالش ها و دستاوردهای قرارداد ۲۵ ساله

هادی ترکی^۱

۱. استاد مدعو دانشگاه تهران، دکترای روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: haditorki1366@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۱۳ کلیدواژه ها: قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، تجدیدنظرطلبی، چین، ایران.	قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین، از مهم ترین توافقات ایران پس از انقلاب اسلامی بوده است که در دوران گذار به یک نظم سیاسی بین المللی رقم خورده است. در این میان رقابت شدید امریکا و چین، پیدا کردن نقش جدید و اثرگذار برای کشورهای مختلف از جمله ایران بسیار مهم است. پژوهش حاضر با محوریت قرار دادن آثار و نتایج قرارداد ۲۵ ساله میان دو کشور، به دنبال پاسخ به این پرسش است که نتایج ناشی از قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین برای دو کشور کدام است؟ فرضیه مقاله این است: مشارکت راهبردی دو کشور در خاورمیانه، تبدیل شدن ایران به محور ثبات در منطقه و کسب منافع اقتصادی از جمله دستاورد دولت ایران و خرید نفت ارزان از سوی چین، فروش کالای گران به ایران و قرار دادن ایران در مقابل امریکا برای دور نگه داشتن از توجه امریکا به آسیای شرقی است. نتایج پژوهش نیز نشان داده است که بر مبنای تجدیدنظرطلبی در نظام بین الملل، دو کشور ایران و چین به یکدیگر پیوند می خورند، چین بازیگری با رویه تجدیدنظرطلبی نامحدود به دنبال به دست گرفتن هژمونی در سطح جهانی و ایران نیز بازیگری تجدیدنظرطلب محدود برای ارتقای جایگاه خود در نظام بین الملل و البته حفظ جایگاه خود در منطقه غرب آسیا است. در نوشتار پیش رو از روش تحلیل تأثیر روند و چارچوب نظری دولت تجدیدنظرطلب استفاده شده است.

استناد: ترکی، هادی (۱۴۰۴). تجدیدنظرطلبی ایران و چین در نظام بین الملل؛ چالش ها و دستاوردهای قرارداد ۲۵ ساله. *مطالعات اقتصادی سیاسی بین الملل*، ۸ (۱)، ۱۵۳-۱۶۸.

<http://doi.org/10.22126/ipes.2025.9867.1619>

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22126/ipes.2025.9867.1619>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

چین و ایران دو کشور در دو سوی قاره پهناور آسیا که از جهات مختلفی، نیازها و دغدغه مشترکی دارند. تمایل چین برای دستیابی به قدرت هژمون در سطح جهان و تمرکز قابل توجه این کشور بر موضوعات اقتصادی و تبدیل شدن این خواسته به عرصه اقتصاد سیاسی نشانگر رقابت آشکار این کشور با ایالات متحده امریکا است. از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران، کشوری اثرگذار در منطقه خاورمیانه و ازجمله بازیگران مخالف با حضور ایالات متحده امریکا در منطقه و حتی نفوذ جهانی است که باعث شده در بزنگاه‌های تاریخی و سیاسی، چین و ایران از این ضدیت مشترک برای بهبود روابط خود بهره ببرند. بنابراین دو کشور نیازمندی‌هایی مشترک داشته که البته هیچ‌گاه روند همکاری‌های آنان بر اساس اصول راهبردی نبوده است؛ اما با نیاز چین به انرژی از یکسو و عدم بازار فروش انرژی ایران در بازارهای جهانی به واسطه تحریم، نوعی رویه نسبتاً واحد از سوی دو کشور ایجاد شده است که هم در عرصه دیپلماتیک و هم در عرصه تعاملات اقتصادی نمود یافته است. البته باید گفت که اقتصادهای دو کشور تا حدی مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. ایران کشوری دارای منابع سرشار نفتی است و عمده صادرات آن را نفت و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌دهد و چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت شده و احتمالاً تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی در این موقعیت باقی خواهد ماند. درواقع انرژی نقطه مهمی است که می‌تواند روابط دو کشور به هم سازگارتر سازد.

در عرصه سیاسی و بین‌المللی دو کشور مخالف وضعیت موجود به رهبری ایالات متحده به‌طور خاص و نظام دموکراسی لیبرال و کشورهای غربی به‌طور عام هستند. از این رو به‌اندازه توان ایدئولوژیکی و رسانه‌ای دیپلماتیکی خود در تلاش هستند تا نظم مستقر به رهبری امریکا را در سطح جهان، نهادهای بین‌المللی و منطقه خاورمیانه و یا دیگر مناطق جهان به چالش بکشند. از این جهت دو کشور ایران و چین نسبت به رویه حاکم بر جهان، رویکردی انتقادی و تجدیدنظرطلب دارند و خواستار دگرگونی وضع در راستای ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی موردنظر خودشان هستند. همین خواسته ایدئولوژیکی و تاریخی به یک مناقشه با امریکا و غرب منجر شد که ایران و چین را به یکدیگر پیوند داده است و از این جهت در تلاش هستند تا روابط خود را به نحوی پیش ببرند که بتواند منافع دولت هژمون را نیز به چالش بکشد. بر مبنای این رویه، خواسته چین، بزرگ‌تر و با هدف به دست گرفتن هژمونی جهانی و کنار گذاشتن امریکا و خواسته ایران نیز ارتقای خود در سطح جهان و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود است. از این رو بخش مهمی از تمایلات دو کشور به سمت ایجاد توافق مهمی نظیر توافق ۲۵ ساله، ناشی از همین تمایلات تجدیدنظرطلبانه است که در این پژوهش به آثار و نتایج آن برای دو کشور پرداخته خواهد شد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی در زمینه روابط ایران و چین انجام شده است که برخی از آنان مورد بررسی قرار می‌گیرند. سیدنت نیر (۲۰۲۲) در مقاله «رویکرد هند درمورد توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین» به این مطلب می‌پردازد که ایران از نظر منابع انرژی و اهداف اتصال برای هند و چین حیاتی است. ایران کلید مرکزی محصور در خشکی است که منافع مرکزی امنیت اقتصاد چین و هند است.

خان و گو (۲۰۱۸) در مقاله «ابتکارات انرژی محور چین با ایران: پیامدهایی برای ایالات متحده» کوشیده‌اند پیامدهای روابط ایران و چین در حوزه انرژی برای سیاست‌های ایالات متحده را بررسی کنند. این پژوهش به‌طور عمده معطوف به ارائه آمارهای نه‌چندان دقیق از روابط دو کشور در حوزه انرژی است و پیامدهای این تعاملات برای ایالات متحده تبیین نشده است. فان (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «گزینه‌های سیاست چین در قبال ایران» در بررسی مناظرات در درون چین درمورد گزینه‌های این کشور در شکل‌دهی به روابط با ایران، حمایت از سیاست‌های ایالات متحده را به‌عنوان یکی از گزینه‌هایی که مورد بحث قرار گرفته مطرح نموده است.

راسموسن (۲۰۱۷) در کتاب: «تعبیر دیپلماسی انرژی در چین: منبع/افزایش وابستگی اقتصادی یا ادامه نئومرکانتیلیسم؟» به این نتیجه رسیده است که مؤسسات و نهادهای بین‌المللی جدید چین، مکملی موفقیت‌آمیز برای دیپلماسی انرژی این کشور هستند که از طریق آن‌ها مشارکت شرکت‌های نفتی خصوصی و دولتی خود در تجارت انرژی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در

نقاط مختلف جهان را به نفع خود بهبود بخشد.

در پژوهش‌های داخلی نیز این موارد به چشم می‌خورد. شاهنده (۱۳۹۶) در کتاب چین: روابط با آمریکا و ایران، به این نتیجه دست یافت که زمانی که آمریکایی‌ها و چینی‌ها سیاست تنش‌زدایی را در پیش گرفتند، روابط چین و ایران نیز تغییر جهت داد؛ اما از نظر نویسنده، روابط ایران با چین در یک محدوده‌ای عمل می‌کند که تحت تأثیر فشار آمریکا است. رحیمی و سازمند (۱۴۰۱) در مقاله تحلیل توافق‌نامه استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین و چالش‌های اجرای آن به این سؤال پاسخ می‌دهند که چه عواملی در انعقاد توافق‌نامه استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین مؤثر بوده و چالش‌های اجرای کامل قرارداد مذکور چیست؟ نویسندگان نتیجه می‌گیرند که قانون توازن منطقه‌ای چین و تحریم‌های آمریکا روابط با ایران را محدود می‌کند. در این پژوهش‌ها، جنبه‌ای خاص از روابط ایران و چین و یا توافق ۲۵ ساله مورد توجه قرار گرفت، اما در پژوهش حاضر ضمن پرداختن به بحث توافق ۲۵ ساله عنوان محور بحث، اهداف دو کشور از منظر نگاه تجدیدنظرطلبانه به نظم سیاسی موجود در سطح جهان و تبعات این رویکرد برای دو کشور از منظر توافق برای ضدیت با این نظم مسلط پرداخته خواهد شد که تاکنون پژوهش مستقلی بدان پرداخته نشده است.

۲. چارچوب نظری تحقیق؛ دولت‌های تجدیدنظرطلب

دیدگاه‌های رئالیست‌های تدافعی در زمینه باور به سرشت دفاعی دولت در سطح نظام بین‌الملل و نداشتن گرایش به تهاجم و حمله که توسط والتز مطرح شده است (والتز، ۱۳۹۲: ۲۹-۲۶). توسط برخی دیگر از متفکران از جمله شولر به چالش کشیده شده است. از نظر شولر، دولت‌ها می‌توانند در دو دسته تجدیدنظرطلب با اهداف محدود و تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود دسته‌بندی شوند (Schweller, 2014: 7). دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود می‌توانند هم‌سو با ایده والتز باشند که این دولت‌ها تمایلی به تغییر بنیادین نظم موجود ندارند و از ابزارهای تهاجمی نیز استفاده نمی‌کنند؛ اما دولت‌های تجدیدنظرطلب نامحدود که تحت تأثیر عوامل ملی هستند، اصول و قواعد اساسی نظم مستقر را به چالش می‌کشند و خواستار تغییرات اساسی و بنیادین در نظم موجود هستند و به تناسب این هدف، خواستار ارتقاء بخشی به جایگاه خود در نظم بین‌الملل موجود هستند. دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود هرچند در نظم بین‌الملل موجود به کنشگری مشغول هستند و اصل رقابت‌پذیری آن‌ها را وادار به عمل سیاسی می‌کند، اما در نهایت عوامل داخلی یعنی برتر دانستن ایدئولوژی و توان داخلی باعث تمایل آنان به سمت برتری‌جویی در نظام بین‌الملل می‌شود؛ یعنی اینکه رفتار دولت تجدیدنظر نامحدود، تحت تأثیر نظام سیاسی، تجارب تاریخی، میراث گذشته، ایدئولوژی مشروعیت‌بخشی و دیدگاه‌ها درباره سیاست خارجی و عوامل ایدئولوژیکی است (Schweller, 2014: 4-7). از این رو دولت تجدیدنظرطلب محدود چندان داعیه رهبری جهانی را در عرصه عمل در سر ندارد و یا توانایی ایفای چنین نقشی را نیز نخواهد داشت؛ بنابراین باید گفت دولت تجدیدنظرطلب محدود می‌تواند نقش یک قدرت منطقه‌ای را ایفا کند یا اینکه بتواند به روش‌های مختلف منافع هژمون را به چالش بکشد، اما در صدد نشستن بر مسند قدرت جهانی نیست.

با این اوصاف باید گفت که دولت تجدیدنظرطلب در صدد اتخاذ راه‌هایی برای فزونی بخشیدن به قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی خود برای پیشی گرفتن از رقیب است. برهم زدن نظم موجود و کوشش برای پیدا کردن نظمی نوین در نظام بین‌الملل به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه دولت‌های تجدیدنظرطلب به حساب می‌آید (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ بنابراین دولت‌های تجدیدنظرطلب سرشتی انقلابی دارند و به چالش کشیدن هنجارهای مسلط بین‌المللی گویای همین رویکرد آنان است (Schweller, 2014: 7). این رویه باعث شده تا دولت‌های تجدیدنظرطلب، نوعی رویه جایگزینی برای پیدا کردن نقشی جدید در سر ببروراندند. این بدان معناست که تجدیدنظرطلبی در سطح نظام بین‌الملل، امری برای تغییرپذیری در نقش دولت‌ها و نظام‌های سیاسی است. بدین معنا که روندی برای تغییر در هژمونی نظام بین‌الملل، کشورهای پیرامون و یا پیشی گرفتن نظام‌های سیاسی از یکدیگر است. بدیهی است که دستیابی به این نقش باعث می‌شود تا دولت تجدیدنظر با استفاده از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی و یا اتحاد و ائتلاف، رویه تجدیدنظرطلبی را در پیش بگیرند.

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش «تحلیل تأثیر روند» استفاده شده است. این روش از آن جهت ترسیم‌کننده نقشه تحلیلی است که هم مسائل کنونی و هم مسائل و چشم‌اندازهای آینده را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، روندها، زنجیره مستمری از رویدادهاست که هم وضعیت کنونی را مشخص می‌کند، هم از موقعیت احتمالی آینده خبر می‌دهد (Gordon, 1994: 2)؛ بنابراین تحلیل روند اثر روشی برای پیش‌بینی از طریق کشف ماهیت، علل بروز و پیامدهای بالقوه است. در این روش با توجه به شرایط کنونی و تحلیل آن، روش مطلوبی برای آینده ارائه می‌شود تا بتواند روندهای کلان جاری را به‌عنوان بستری برای تحلیل آینده به کار گیرد.

۴. توافق ۲۵ ساله ایران و چین؛ اهداف و چشم‌انداز

چین و ایران در چارچوب مناسبات دوجانبه، در ۲۷ مارس ۲۰۲۱، توافق‌نامه همکاری استراتژیک ۲۵ ساله را امضاء کردند که معطوف به مسائل اقتصادی و تجاری در بحبوحه تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران صورت گرفته است. این توافق در پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک ایران و چین حاصل شد که به‌عنوان یک اقدام مهم و رو به جلو مورد ستایش طرفین نیز واقع شد. این سند همکاری باعث می‌شود تا چین رقمی حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران انجام دهد. توافق یادشده در سال ۲۰۱۶ پیشنهاد شد؛ زمانی که دو کشور بیانیه مشترکی درباره همکاری‌های راهبردی همه‌جانبه میان ایران و چین صادر کردند و با امضای طرحی برای همکاری همه‌جانبه توافق کردند (Jennifer, 2021: 1).

به هر صورت، ورود چین به شراکت استراتژیک جامع با ایران و متعاقب آن تلاش برای انعقاد توافق ۲۵ ساله نشان‌دهنده آن است که منطق حاکم بر سیاست خارجی چین در قبال ایران در حال اجرا شدن است و اگرچه ایران بنابر ضرورت‌ها و اقتضائات خاص خود به‌دنبال تعاملات گسترده با چین است، اما به نظر می‌رسد؛ مختصات همکاری دو کشور توسط پکن طراحی شده است. به عبارتی رهبران ایران تمایل دارند تا همکاری ایران با چین در شکل انعقاد «توافق‌نامه اتحاد راهبردی» نمود پیدا کند، اما چنین اتحادی اساساً در دستور کار مقامات چینی نیست و به همین دلیل است که ایران نیز به همکاری در سطح مشارکت استراتژیک جامع تن داده است (شفیعی، ۱۴۰۱: ۱۹۶).

این مشارکت در سه سطح تحلیل قابل بررسی است؛ ۱. «شرایط داخلی کشورها» به‌خصوص شرایط ویژه ایران با توجه به تورم بالا و ناکامی در برجام و راه‌حلی برای رسیدن به یک جایگزین و نیز شرایط داخلی چین که نیاز به جایگزین انرژی و نفت برای مصارف داخلی با توجه به شرایط تنگه مالاکا و نیز توسعه صادرات به ایران را در سر دارد. ۲. «شرایط خارجی ایران و چین» که بیشتر مرتبط به سیاست خارجی هر کشور است که ایران و چین به‌عنوان کنشگر سعی دارند که اهداف خود را در سیاست خارجی عملیاتی سازند. ۳. «شرایط و اقتضائات نظام بین‌الملل» که می‌تواند ناشی از رویکردی تقابلی با هژمونی به رهبری آمریکا باشد.

در سطح تحلیل نظام بین‌الملل، چین برنامه پیشی گرفتن از ایالات متحده آمریکا را به‌طور جدی در سر دارد و در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران، همواره مخالفت‌های خود را با نظام لیبرال دموکراسی، رویکرد آن، ساختارها، نهادها، رژیم‌ها و سیاست‌های دوگانه غربی، انتقادات جدی داشته و خواهان تجدیدنظرطلبی بوده است. ضمن اینکه مشکلات ایران و آمریکا ازجمله تحریم‌ها باعث نزدیک شدن هرچه بیشتر ایران و چین شده است (Siddhant, 2020: 16). نتیجه عینی این روابط، قرارداد ۲۵ ساله میان دو کشور است؛ بنابراین چین با توجه به رشد اقتصادی خود، مشارکت‌های گسترده دوجانبه و چندجانبه جدید و جدیت در ابرپروژه‌هایی مانند «کمربند-راه» زمینی و دریایی و نیز نهادسازی مالی و پولی در قالب بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی سعی داشته تقابل خود را با هژمون (امریکا) به تصویر بکشد. می‌توان هم علل بیرونی را بر نقش مشارکت جامع راهبردی و قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین در نظر گرفت و هم علل شرایط دو طرف را مهم دانست؛ اما چنین قراردادی میان یک قدرت جهانی (چین) و یک قدرت منطقه‌ای (ایران) آثار و نتایجی برای هر کدام در پی دارد که به اهم آنان پرداخته خواهد شد.

۵. منافع سند ۲۵ ساله برای دولت‌های ایران و چین

با در نظر داشتن این موضوع که چین به دلیل خواسته جهانی خود مبنی بر به دست گرفتن هژمونی نظام بین‌الملل، رقابت و در عین حال خصومت‌های متعددی در حوزه نظامی، اقتصادی، تجاری و هوش مصنوعی با آمریکا دارد (Obeid et al., 2020: 43). این کشور نماینده تجدیدنظرطلب نامحدود است؛ اما ایران به دلیل آنکه به دنبال ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل است، نماینده کشور تجدیدنظرطلب محدود است. البته نقطه پیوند میان دو کشور رقابت و یا خصومت با هژمونی (آمریکا) است. همچنان که سیاست خارجی ایران از همان ابتدای انقلاب اسلامی در ضدیت با آمریکا بنا شده بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲). از این رو، توافق ۲۵ ساله میان دو کشور به دلیل جایگاه و آینده هر دو کشور تبعات خاصی برای هریک از آنان دارد که طیفی از آثار مثبت و یا چالش برای آنان در پی خواهد داشت.

۵-۱. ایران و چین؛ شرکای راهبردی در آینده در غرب آسیا

چین در حال گذار از اقتصاد مبتنی بر تولید کالای سنگین به سمت خدمات‌محور است و برای تأمین انرژی موردنیاز خود، به گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر از غرب آسیا، به‌ویژه ایران و عربستان، نیاز دارد. ایران به دلیل تنش با حضور آمریکا در خاورمیانه، گزینه مطلوبی برای چین است تا با تقویت روابط، آمریکا را در منطقه مشغول و توجه آن را از تایوان و اقیانوس آرام منحرف کند. اهداف چین از قرارداد ۲۵ ساله با ایران شامل تأمین انرژی، تقویت پروژه «یک کمربند-یک راه» و افزایش نفوذ در غرب آسیا است که این سند را برای چین به یک پیروزی استراتژیک تبدیل می‌کند (Greer & Batmanghelidj, 2020: 3-4). از این جهت، چین هم نیازهای داخلی و هم تمایلات منطقه‌ای و جهانی این کشور را نیز تا حد قابل توجهی برطرف می‌سازد. قدرت منطقه‌ای ایران نیز این شرایط را برای چین ایجاد می‌کند که بتواند باعث تهدید منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه شود؛ بنابراین دو دولت تجدیدنظرطلب نامحدود و تجدیدنظرطلب محدود در اصول واحدی به یکدیگر پیوند خوردند که به خطر انداختن و تهدید منافع هژمون حلقه پیوند دو دولت ایران و چین است.

توسعه بخش انرژی ایران، با وجود تحریم‌ها، همچنان از اولویت‌های صنعتی کشور است. هرچند شرکت ملی نفت چین (CNPC) از توسعه فاز ۱۱ گاز پارس جنوبی کناره‌گیری کرد، این میدان گازی در نزدیکی قطر می‌تواند زمینه‌ساز توافقی جدید میان ایران و چین باشد. شرکت پتروپارس اکنون توسعه این فاز را بر عهده دارد، اما توافق راهبردی ایران و چین احتمال مشارکت مجدد شرکت‌های چینی و توسعه خطوط لوله نفت و گاز را افزایش می‌دهد. این همکاری می‌تواند به اتصال شبکه‌های خط لوله منطقه‌ای، شامل آسیای مرکزی، کمک کند. در همین راستا، ایران در حال ساخت خط لوله گوره-جاسک است که ظرفیت انتقال یک میلیون بشکه نفت در روز به پایانه دریای عمان را فراهم می‌کند (Comeliussen, 2022). این رویه به معنای پیدا کردن جایگزین از سوی ایران برای فروش انرژی و یا ناامیدی از احیای توافق برجام و یا هر توافق دیگری با کشورهای غربی است که می‌تواند تحت عنوان سیاست نگاه به شرق ارزیابی شود.

بر مبنای رویه تاریخی چین، این کشور با تداوم سنن تاریخی خود به دنبال افزایش نفوذ خود در خاورمیانه است. حتی با توجه به پیمان راهبردی ایران و چین، نوعی تمایل از سوی ایران به استقرار ۵ هزار نیروی ارتش آزادی‌بخش خلق چین در قلمروی ایران است که به معنای امکان افزایش تعداد پرسنل برای حفاظت از تأسیسات متعدد ساخته شده با کمک ارتش جمهوری اسلامی ایران میسر خواهد شد. ضمن اینکه، بخش مهمی از این ترتیبات نظامی برای حفاظت از ترانزیت نفت، گاز و محصولات پتروشیمی به چین است که برخی از این تشکیلات در خلیج فارس مستقر خواهند شد و نیازمند حفاظت و مراقبت هستند. ایران با پیوستن به موافقت‌نامه تراسیکا در سال ۲۰۰۹ میسر ترانزیتی از شرق به غرب آسیا و برعکس ایجاد کرد که هرچند با وجود تحریم‌ها در عمل نتوانست عملیاتی سازد. همین مشارکت و تمایل ایران می‌تواند نشانه اولیه از استقرارهای عمده نیروهای چینی در خارج از کشور در نظر گرفته شود و یا عاملی برای ایجاد آن باشد. افزون بر این، پیشنهاد اجاره بندر جاسک فرصت زیادی را در اختیار چین قرار می‌دهد تا قدرت دریایی خود را به خلیج فارس انتقال دهد. در هر صورت منافع اقتصادی دو کشور و پیوندی که از حیث ضدیت با قدرت هژمون دارند، نوعی وحدت رویه میان ایران و چین ایجاد نموده است.

که تحلیل تأثیر روند (تداوم هم‌سویی برای تهدید منافع هژمون) گویای نوعی منافع اقتصادی مشترک بین ایران و چین است.

۵-۲. ایران به‌منابه عامل ثبات در غرب آسیا

توافق ۲۵ ساله ایران و چین می‌تواند جایگاه ایران را در منطقه و جهان تقویت کند، زیرا چین به ظرفیت ایران در حفظ ثبات و امنیت منطقه برای تضمین عرضه انرژی واقف است. این توافق، افزون بر تقویت نقش ایران در «ابتکار کمربند و راه»، نگرانی آمریکا را نیز برانگیخته است. گزارش پنتاگون در سال ۲۰۲۲ به روابط ایران و چین پرداخته و اشاره کرده که این توافق راه را برای حضور گسترده چین در بانکداری، مخابرات و زیرساخت‌های ایران باز کرده و فروش نفت ایران با تخفیف را به چین اختصاص می‌دهد. به گفته کورنلیوسن، این توافق‌نامه که شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، انرژی و علمی است، ممکن است تعادل استراتژیک و ژئوپلیتیکی خاورمیانه را تغییر دهد (Corneliusen, 2022). همچنین شی جین‌پینگ دبیر کل حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۹، در زمانی که ایالات متحده به دلیل اقدامات بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه بر ایران فشار می‌آورد، اعلام کرد: «مهم نیست که اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای چگونه تغییر کند، عزم چین در این زمینه است. برای توسعه [یک] مشارکت راهبردی جامع با ایران بدون تغییر باقی خواهد ماند». پس از ترور سردار سلیمانی، وزارت امور خارجه چین «از طرف آمریکایی خواست در حفظ آرامش و خویشتن‌داری کند و از تشدید بیشتر تنش‌ها جلوگیری به عمل آورد و از زور سوءاستفاده نکند» (Green & Roth, 2021:4). مصادیق یادشده گویای هم‌سویی در برخی منافع ایران و چین و صدور طیفی از تذکر، تهدید منافع، به چالش کشیدن و یا کوشش برای جایگزینی جایگاه هژمون در سطح بین‌الملل (توسط چین در شورای امنیت و نهادهای بین‌المللی) یا توسط ایران در نظم منطقه (در عراق، سوریه، یمن، لبنان) است.

بدین ترتیب باید گفت که روابط ایران و چین در توافق ۲۵ ساله نوعی تهدید برای منافع ایالات متحده تلقی می‌شود که نشانگر نقش دو دولت تجدیدنظرطلب نامحدود و تجدیدنظرطلب محدود است. ضمن اینکه بر مبنای تحلیل تأثیر روند، وقتی که نظم جهانی در حال تغییر است، رویه به سمت چندقطبی بودن و مراکز قدرت جدید را که به‌شدت در صحنه جهانی حضور دارند، فعال می‌شود. این رویه درباره ایران صادق است که بتواند در چارچوب نفوذ منطقه‌ای خود، ایفاگر نقش دولت تجدیدنظرطلب محدود باشد و این نقش‌آفرینی را با کمک چین و با هزینه کمتر/منافع بیشتر ایفا نماید.

تهدید منافع ایالات متحده از قبل روابط ایران و چین در مانورهای نظامی و دفاعی ایران و چین بیش از پیش ایالات متحده را نگران کرده است. توضیح اینکه در زمینه رزمایش دریایی نیز؛ نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق حداقل سه بار از مانورهای نظامی بازدید و در آن شرکت کرده است که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده است.

افزون بر این، یک ناوشکن موشکی چینی به نام سینینگ به رزمایش دریایی با نیروی روسیه و ایران در خلیج فارس پیوست. خبرگزاری دولتی شینهوا چین به نقل از دریادار حسین خانزادی، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گفت که این رزمایش نشان می‌دهد «دوران تهاجمات آمریکا در منطقه به پایان رسیده است» (Fassihi & Myers, 2021). چین در آخرین دور از مذاکرات در وین با هدف احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که اغلب به‌طور غیررسمی توافق هسته‌ای ایران نامیده می‌شود، فعال‌تر شده است. در همین حال، چین واردات نفت از ایران را افزایش داده و از موضع ایران در برابر آمریکا در برخی از مسائل نظیر حق بهره‌مندی از دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و یا ارتقای توان دفاعی ایران دفاع به عمل آورده است.

۵-۳. حوزه ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوانرژیک

بعد اقتصادی توافق ۲۵ ساله ایران و چین مهم‌ترین بخش آن برای هر دو طرف است. طبق این توافق، چین متعهد شده در ۲۵ سال (در بازه‌های ۵ ساله) ۲۸۰ میلیارد دلار در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران و ۱۲۰ میلیارد دلار در پروژه‌های زیرساختی مانند جاده‌سازی و راه‌آهن سرمایه‌گذاری کند. درمقابل، شرکت‌های چینی در مناقصه‌های نفتی، گازی و پتروشیمی ایران اولویت دارند و پکن مسئول تأمین فناوری و نیروی لازم برای این پروژه‌ها خواهد بود. همچنین، چین می‌تواند پرداخت‌ها به ایران را تا ۲ سال به تأخیر بیندازد و از ارزهای نرم استفاده کند. برای چین، ایران منبع نفت ارزان، بازار فروش و مسیر ترانزیتی به غرب

است و فرصتی برای گسترش نفوذ در خاورمیانه، هم‌زمان با کاهش نفوذ آمریکا در منطقه، فراهم می‌کند. چین نیز با وجود تحریم‌ها، نفت ایران را وارد می‌کند. دولت بایدن تحریم‌ها را علیه شرکت‌های چینی اجرا نکرده است، اما موضوع را با دولت چین در میان گذاشته است با این هدف که با توسعه اقتصادی در زیرساخت‌ها و رفع تحریم‌ها بتواند اقتصاد پویایی را تجربه کند. از اواسط دهه ۲۰۰۰، تجارت چین و ایران از حدود ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ به ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. پس از خارج شدن ترامپ، سایر سرمایه‌گذاری‌های چینی به‌عنوان بخشی از (کمر بند-راه) نیز در این مدت پس از اعمال مجدد تحریم‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است (Loft et al., 2022, 20-32).

ضمن اینکه بر مبنای ایفاگری نقش دولت تجدید نظر طلب محدود و در زمینه زیرساخت توافق‌نامه، ایران به‌طور مؤثر وارد استراتژی یک کمر بند یک جاده چین می‌شود. با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک ایران با ۲۲۵۰ کیلومتر خط ساحلی در خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و دریای خزر با باید مرزهای هم‌جواری با عراق، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان را مدنظر قرار داد. ایران به یک کشور حیاتی در استراتژی یک جاده دریایی چین و استراتژی یک کمر بند زمینی تبدیل می‌شود. توسعه‌دهندگان بندر چینی ممکن است توسعه بندر «چابهار» را که هند در سال‌های اخیر موفق به تکمیل آن نشده، فرض کنند. توسعه‌دهندگان بندرهای چینی همچنین ممکن است طیف وسیعی از بنادر دیگر را در امتداد خط ساحلی ۲۲۵۰ کیلومتری ایران در امتداد خلیج فارس و دریای خزر توسعه دهند. سپس اتصالات بندری و کشتیرانی به ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان را تسهیل کند. به همراه نوسازی بندر و توسعه پایانه بندر، توسعه‌دهندگان زیرساخت چینی احتمالاً ساختار راه‌آهن ایران را با راه‌آهن پرسرعت نوسازی می‌کنند؛ زیرا تفکر معماری زیرساخت استراتژیک چین، اغلب بندرهای دریایی و پایانه‌های بندری آن را با راه‌آهن و بزرگراه‌ها به خوشه‌های لجستیک داخلی و مناطق ویژه اقتصادی ترکیب می‌کند که کریدورهای اقتصادی را تشکیل می‌دهند که امکان اتصال زنجیره تأمین را با کشورها در سراسر جغرافیای وسیع فراهم می‌کند. چین و ایران ممکن است به دنبال اتصال ۳۳۰۰ کیلومتری کریدور اقتصادی چین - پاکستان (CPEC) باشند که از کاشغر در استان سین‌جانگ در غرب چین تا گوادر در جنوب پاکستان در امتداد اقیانوس هند به زیرساخت‌های داخلی ایران کشیده شده است. شبکه‌های ساختار بندر دریایی به نظر می‌رسد این امر به‌طور فزاینده‌ای قابل قبول است و نتایج مثبتی برای ایران نیز در پی داشته باشد. به این دلیل که ایجاد زیرساخت‌ها در منطقه مرزی ایران و پاکستان می‌تواند باعث توسعه اقتصادی در منطقه پرتنش بلوچستان شود (و برای ایران و پاکستان مهم است).

منظر تحلیل تأثیر روند، منجر به تقویت شرایط به نفع ایران و چین می‌شود. به‌نوعی می‌توان شاهد بود که شبکه‌های حمل و نقل ایران به‌عنوان معماری زیرساخت آسیای مرکزی در حال ظهور را متصل می‌کند. این امکان اتصال با خوشه لجستیکی مهم - منطقه ویژه اقتصادی دروازه شرقی خورگوس واقع در ۳۳۰ کیلومتری آلماتی در مرز قزاقستان و چین حدود چهار ساعت از ارومچی - پایتخت در استان سین‌جانگ در غرب چین را متصل می‌کند. درواقع؛ اتصال چین و ایران از طریق قزاقستان و ترکمنستان، افزون بر افغانستان و پاکستان، کریدورهای اقتصادی را در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی تقویت می‌کند (Corneliusson, 2022)؛ بنابراین نتایج مثبتی که این هم‌سویی و همکاری مشترک در سند همکاری ۲۵ ساله در پی دارد، ضمن کسب منافع توسط دو دولت، نوعی رویگردانی از آمریکا و یا ضدیت با منافع این کشور در منطقه خاورمیانه و حتی در کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان است.

۶. چالش‌های پیش‌روی ایران و چین در سند ۲۵ ساله

نتایج سند ۲۵ ساله میان ایران و چین ممکن است برای هریک از طرفین مشکلاتی در پی داشته باشد و یا روند رسیدن به اهداف چین را از منظر ابزارهای مورد نظر (اقتصاد و جایگاه ایران در خاورمیانه) با چالش‌هایی روبرو سازد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته خواهد شد.

۶-۱. FATE و مشکلات ناشی از آن در تحقق اهداف دو دولت

اگر بتوان یکی از چالش‌های اساسی در زمینه تحقق چشم‌انداز ترسیم‌شده میان ایران و چین را در قرارداد ۲۵ ساله بیان کرد،

بحث «FATF» است. هدف مقامات و رهبران چینی به‌عنوان دولت تجدیدنظر نامحدود، از سیاست خارجی در خاورمیانه آن است که بتواند با همه طرفین مبادلات اقتصادی و تجاری داشته باشند؛ همچنین از اتحاد و ائتلاف‌های سیاسی به دور باشند و وارد درگیری‌های منطقه‌ای نیز نشوند (Guler, 2020: 2). به همین دلیل است که توافق ایران و چین در صورتی منافع ایران را تأمین و دردسر مالی و تجاری اعم از جابه‌جایی ارز و یا امکان انتقال کالاها و خدمات را از بین می‌برد که بتواند مشکلات ناشی از FATF به حداقل برسد و یا در صورت امکان از بین برود؛ اما این مشکل به‌دلیل قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF همچنان پابرجاست.

روش تحلیل روند و خواسته‌های چین به‌عنوان دولت تجدیدنظرطلب نامحدود، نشان‌دهنده بی‌تمایلی این کشور به اتخاذ روند تقابلی با کشورهای غربی از جمله آمریکا بر سر ایران است؛ زیرا چین ترجیح می‌دهد تا با کنار کشیدن از مناقشات ایران و غرب، در صدد حمایت از برداشته شدن تحریم به نفع مبادلات تجاری با ایران باشد. با این اوصاف، از منظر تحلیل روند و یک رویه واقع‌گرایانه باید گفت، موضع چین این است که ایران نباید تحت هیچ نوع تحریمی قرار گیرد و باید به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای دسترسی داشته باشد، اما با گسترش سلاح‌های هسته‌ای مخالف است و از نظارت بین‌المللی به‌عنوان راه‌حل مسئله هسته‌ای حمایت می‌کند؛ اما در این میان، تحریم‌ها مانع اصلی اجرای توافق ۲۵ ساله ایران و چین و بهبود روابط اقتصادی دو کشور است. سرمایه‌گذاران چینی از نظر تاریخی بعید به نظر می‌رسد که به سرمایه‌گذاری در ایران علاقه‌مند باشند، مگر اینکه تحریم‌ها برداشته شود (Figueroa, 2022).

از این رو رفع و کاهش تحریم‌های اقتصادی در حوزه کشتیرانی، بیمه و مبادلات مالی از جمله در حوزه FATF علیه ایران، مورد علاقه پکن است؛ به عبارت دیگر، چین تمایلی به مشارکت فعال در درگیری‌های شکل‌گرفته میان ایران و غرب از جمله ایالات متحده آمریکا ندارد و خواهان آن نیست که مانند ایران به قطع روابط تجاری و یا تخصیص آشکار با آمریکا ورود پیدا کند؛ بنابراین از یک‌سو باید گفت که چین در صورت رفع تحریم‌ها علیه ایران یا کاهش آنان، دسترسی راحت‌تری به بازار ایران خواهد داشت (Guler, 2020: 4). به هر حال از منظر تحلیل تأثیر روند باید گفت که درمورد یادشده، کشور تجدیدنظرطلب نامحدود (چین)، مانع بزرگی بر سر راه تحقق اهداف خود در سند چشم‌انداز در پیش دارد؛ زیرا فقدان یک سازوکار مالی و تجاری شفاف میان ایران و چین باعث نوعی تقابل میان چین و آمریکا شود که چین در شرایط فعلی حاضر به رویارویی با آمریکا به خاطر کسب رضایت ایران نیست.

۶-۲. ارزان‌فروشی نفت توسط ایران

روابط چین با کشورهای هم‌پیمان، متحد و یا هم‌سو با جهت‌گیری این کشور تحت تأثیر این هدف چین قرار دارد که این کشور بیش از همه به‌دنبال تهیه مواد خام از این کشورها است (Lamy, 2012: 56). به این دلیل که چین امروزه پس از آمریکا دومین کشوری است که از نفت خام استفاده می‌کند و با توجه بالا بودن جمعیت در این کشور، در سال ۲۰۰۹ م، به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان تبدیل شد (B.P, 2011: 41). با توجه به همین نیاز، پیدا کردن کشورهایی که بتوانند منبع تأمین انرژی این کشور باشد، بسیار مهم است. همچنین فروش نفت ایران در طی سال‌های پس از تحریم شکل دیگری پیدا کرده است و به شکل مبادله کالا به کالا دنبال شده است. به‌طور مشخص ایران نفت و انرژی به چین ارسال می‌کند و درمقابل نیز کالاها، خدمات و فناوری موردنیاز خود را نیز دریافت می‌نماید. در قرارداد ۲۵ ساله، چین به‌دنبال یک منبع تأمین انرژی مطمئن و بلندمدت است تا تنوع سبد واردات انرژی خود را افزایش دهد و خطرات ناشی و احتمالی که ممکن است به‌وسیله آمریکا و تحریم‌ها ایجاد شود را از بین ببرد. هرچند چین طی موافق تحریم مالی و خرید نفت از ایران نیست، اما همچنان با توجه به ظرفیت عربستان، به‌منظور تأمین انرژی از سایر کشورها از جمله عراق، لیبی و ونزوئلا، چین از ایران نفت می‌خرد و این را می‌توان نوعی نگرش مثبت چین به ایران تلقی نمود (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۴۳).

هرچند در طی سال‌های گذشته سهم ایران از واردات نفت چین به حدود ۳ درصد کاهش پیدا کرده و درمقابل نیز عربستان

و روسیه در حال افزایش سهم خود با بازار نفت چین هستند. به هر حال در توافق ۲۵ ساله، ایران متعهد است که نفت خام مورد نیاز چین را به مدت ۲۵ سال تأمین نماید و درمقابل نیز چین متعهد است تا منابع حاصل از فروش نفت را برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی از جمله صنعت نفت مصرف کند. از سوی دیگر، فشارهای ناشی از تحریم‌ها علیه ایران از جمله در حوزه فروش نفت باعث شده تا ایران در شرایط دشوار اقتصادی و پاسخگویی به نیازهای تکنولوژیکی، دریافت خدمات و سرمایه، نفت را به‌صورت ارزان به چین بفروشد. علت عمده فروش ارزان نفت به چین، دریافت کالاها و خدمات از این کشور است که تا حدودی خیال ایران را از بابت فروش نفت و دریافت سود ناشی از آن آسوده نگه می‌دارد.

در راستای تحقق این هدف، برخی شرکت‌های نفتی در چین نظیر «CNPC» سینوپک، کشتیرانی کاسکو، قراردادهایی را با ایران امضا کردند که می‌بایست دولت ایران در قبال سرمایه‌گذاری‌هایی که توسط این شرکت‌ها انجام می‌شود، «بازپرداختی» از طریق صادرات انرژی به این کشور داشته باشند؛ بنابراین بخشی از نفت صادراتی ایران به چین می‌تواند بازپرداخت به شرکت‌های چینی باشد (Batmanghelidj & Esfandiyar, 2019: 23). با توجه به دولتی بودن اقتصاد چینی، این بازپرداخت به شکل قابل توجهی در اختیار دولت چین قرار می‌گیرد و از این رو نسبت به ارسال خدمات و کالا به ایران نیز اقداماتی را انجام می‌دهد. با این وجود، چین با وجود کاهش قابل توجه تعامل اقتصادی به دلیل تبعیت نسبی از تحریم‌های ایالات متحده، جایگاه خود را به‌عنوان شریک اصلی اقتصادی ایران حفظ کرده است.

با این وجود، روش‌های مختلف دور زدن به چین اجازه داده است که با نقض این تحریم‌ها، به خرید نفت ایران ادامه دهد. چین به‌عنوان مشتری اصلی نفت ایران، یک راه نجات اقتصادی برای ایران فراهم می‌کند و در عین حال اهرم خود را بر این کشور عمیق‌تر می‌کند. چین با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و یکپارچگی منطقه‌ای ایران به دنبال بهبود دسترسی آینده خود به انرژی و مواد خام ایران است (Green & Roth, 2021: 3). این روند به معنای هم‌سویی و پیوند دولت تجدیدنظرطلب نامحدود (چین) و دولت تجدیدنظرطلب محدود (ایران) در تقابل با هژمونی ایالات متحده آمریکا است. هرچند درنهایت منافع دولت تجدیدنظرطلب نامحدود از دولت تجدیدنظرطلب محدود پیشی گرفته است.

۶-۳. خرید گران کالا و دشواری گزینه‌های انتخابی برای ایران

خرید کالای چینی از سوی ایران از مدت‌ها قبل و با آغاز انقلاب اسلامی ایران شروع شده بود. زمان شروع این روابط سیاست اصلاحات چین در اوایل سال ۱۹۷۹ م برمی‌گردد که تجارت انرژی با چین در اولویت قرار گرفت. به‌مرور و با پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، تجارت از فروش تسلیحات به نفت و انرژی تغییر پیدا کرد. از این زمان به بعد، به‌طور عمده فرآورده‌های نفتی ایران به چین فروخته می‌شود که درمقابل، کالاهای مصرفی نظیر لوازم الکترونیک، خودرو، پوشاک، لوازم خانگی، مواد شیمیایی و تجهیزات مخابراتی وارد ایران می‌شد. به‌طور مشخص در این باره و به‌ویژه پس از تشدید و تمدید تحریم‌های غرب علیه ایران، تهران جهت نوسازی معماری مخابراتی خود، از جمله درخواست کمک برای نصب فناوری نظارت هوش مصنوعی که چین به دیگر کشورها ارسال کرده است، به چین متکی خواهد بود. بر مبنای این رویه، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در سال اول توافق به ۲۷۵ میلیارد دلار ذخایر منجمد و حداقل یک تریلیون دلار درآمد نفتی جدید تا سال ۲۰۳۰ دسترسی پیدا کند (Singleton, 2022). موضوعی که به معنای گرایش ایران به سمت چین و تبدیل شدن این کشور به مشتری دائمی خرید نفت ایران و درنهایت وادار شدن ایران به واردات کالا از این کشور منتهی شود؛ بنابراین شرایط یادشده می‌تواند باعث نوعی نابرابری میان شرایط و منافع دو کشور شود. بدین معنا که در حالی که چین از توانایی انعطاف بخشی و یا ایجاد تنوع در راستای سیاست‌های خود برخوردار است و حتی به دنبال راهکاری است که بتواند وابستگی خود به نفت را کمتر کند. این شرایط ممکن است برای ایران وجود نداشته باشد و ایران را در وضعیت نامساعدی قرار دهد؛ مگر اینکه ایران توانایی خود را برای بهره‌برداری از ذخایر گاز طبیعی افزایش دهد (Holmquist & Englund, 2020: 18). به هر حال در روند طی شده، هرچند دو دولت تجدیدنظرطلب محدود (ایران) و تجدیدنظرطلب نامحدود (چین)، به دنبال تغییر در وضعیت موجود در نظام بین‌الملل هستند، اما به دلیل خواسته کلان چین، نوعی نابرابری میان نتایج ناشی از توافق ۲۵ ساله قابل پیش‌بینی است.

عدم انتخاب گزینه‌های بهتر از سوی ایران نیز می‌تواند از نتایج هم‌سویی دو کشور باشد. توضیح اینکه بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۸ م، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بوده است. ایران در سال ۲۰۱۸ م، واردات از چین را از ۲۲ درصد به ۲۹ درصد از حجم کل واردات خود اختصاص داده است. در دیداری که شی جی پینگ در سال ۲۰۱۶ م به ایران داشته است، طرفین بر گسترش روابط تأکید کردند که برآورد دو دولت این بود که در دهه آینده، حجم مبادلات به ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد. با توجه به اینکه حجم تجارت میان طرفین در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار بوده است و نسبت به همین مورد در سال ۲۰۰۷ م که ۱۹ میلیارد دلار بوده، تقریباً دو برابر شده است. با توجه به اینکه روابط اقتصادی میان ایران و چین در بستر سند ۲۵ ساله بسیار گسترده خواهد شد، ایران فروش نفت و یا واردات از چین را به سایر کشورها ترجیح می‌دهد که نتیجه آن، بسته شدن دست ایران در پیدا کردن مشتری برای روابط اقتصادی است. افزون بر این با توجه به انحصاری بودن خرید نفت ایران توسط چین، این کشور از شرایط بهتری برای تحت تأثیر قرار دادن ایران برخوردار خواهد بود؛ زیرا ایران به دلیل نقش متغیر خارجی نظیر فشارهای ایالات متحده، وابستگی بیشتری به چین پیدا می‌کند. در این میان، چین از سازوکارهای متنوع‌تری برای پیشبرد منافع خود برخوردار است و ایران احتمالاً به‌طور فزاینده‌ای به چین وابسته می‌شود (Hu et al., 2021: 8). در این مؤلفه نیز کشور تجدیدنظرطلب نامحدود (چین)، نسبت به تجدیدنظرطلب محدود (ایران) از شرایط بهتری برخوردار است.

۴-۶. افزایش هزینه ریسک در مبادلات

روابط ایران و چین می‌تواند نتایج دیگری در حوزه اقتصادی و تجاری داشته باشد که آن هم افزایش هزینه‌های ناشی از روابط و مبادلات ایران با سایر کشورها از جمله کشورهای اروپایی است. توضیح اینکه درمورد ایالات متحده، هدف اصلی واشنگتن این است که ایران را به قدری منزوی کند که ناجی دیگری جز آمریکایی‌ها برای ایران وجود نداشته باشد؛ اما این رویه تا جایی که به ایرانی‌ها مربوط می‌شود، نزدیک‌تر شدن به پکن پاسخی تلافی‌جویانه به مواضع آمریکا و اروپا است و این نشان‌دهنده ناکامی آن‌ها در برخورد با ایران در مسائل هسته‌ای است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم به پاره کردن توافق هسته‌ای گرفت، در حالی که رهبران اروپایی در تلاش برای متقاعد کردن ترامپ درمورد نیاز به توافق متقابل منفعل ماندند (Guler, 2020: 4). از این رو برخی کشورهای غربی نیز هم‌سو با آمریکا درصدد حفظ برخی فشارها و تحریم‌های اقتصادی بر ایران، تمدید برخی تحریم‌های نظامی و موشکی و از همه مهم‌تر اعمال تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران است. روابطی که نتایج آن به‌صورت ایجاد مشکلات متعدد تجاری و مالی میان ایران و کشورهای مختلف می‌شود که از قضا روابط اقتصادی مطلوبی نیز با چین دارند. در صورت تداوم این تحریم‌ها و ایجاد مشکلات مالی برای چین، ایران نیز در معاملات اقتصادی با چین با مشکلاتی روبرو خواهد شد.

با وجود پیامدهایی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، توافق‌نامه همکاری جامع صرفاً یک سند چارچوبی است که هیچ جدول زمانی مشخصی ندارد یا تضمینی برای دستیابی دو کشور به اهداف تعیین‌شده در مفاد آن وجود ندارد. این امکان وجود دارد که اجرای واقعی معامله کمتر از حد انتظار باشد. با این حال، کاری که انجام می‌دهد این است که محیطی از امکان را ایجاد می‌کند - هر زمان که منافع هم‌سو شوند و عوامل ژئوپلیتیکی اجازه دهند. به هر حال باید گفت که در روابط چین و ایران، حوزه ویژه همکاری در توافق‌نامه «همه چیزهایی است که از قبل وجود دارد» و در راستای تعامل چین با سایر کشورهای منطقه است. افزون بر این، ژئوپلیتیک پیچیده خاورمیانه، نظرات متفاوت موجود در ایران و نگرش محتاطانه چین در قبال مناقشات ژئوپلیتیکی، احتمالاً هرگونه منافع رادیکالی را که ممکن است از توافق حاصل شود، بازخواهد داشت (Jennifer, 2021: 6). این به معنای آن است که چنین توافقی به دلیل خواسته‌های احتیاط‌آمیز چین (عدم تقابل آشکار با غرب و حتی متحدان آمریکا در خلیج فارس)، نوعی نارضایتی از سوی ایران را در پی داشته باشد. حتی تداوم این روند می‌تواند رویکرد نگاه به غرب در ایران را در برابر نگاه به شرق (چین/تجدیدنظرطلب نامحدود) تقویت نماید. این مؤلفه نیز نشانگر دست باز کشور تجدیدنظرطلب نامحدود (چین) درمقابل گزینه‌های محدود کشور تجدیدنظرطلب محدود (ایران) است که به هر حال عواید ناشی از سند ۲۵ ساله را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال این پرسش بود که نتایج ناشی از قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین برای دو کشور کدام است؟ بر این اساس، در یک روند پویا و آینده‌نگر، دو دولت ایران و چین، به ترتیب به عنوان نماینده دو جریان در نظام بین‌الملل با عنوان تجدیدنظرطلب محدود و تجدیدنظرطلب نامحدود هستند که هم از حیث منافع خود و هم از حیث ضدیت ایدئولوژیکی، تاریخی و تلاش برای کنار گذاشتن الگوی هژمونیک امریکا، منافع مشترکی را دنبال می‌کنند. قرارداد ۲۵ ساله برای هریک از طرفین می‌تواند تبعاتی در پی داشته باشد. از جمله اینکه باعث تسهیل فروش نفت توسط ایران در شرایط تحریم شود؛ کالاهای چینی را وارد بازار ایران نموده و از مشکلات ناشی از تحریم توسط کشورهای غربی و هم‌سو با ایالات متحده امریکا بکاهد. ضمن اینکه در یک چشم‌انداز بزرگ‌تر، خود را هم‌سو و متحد کشوری می‌داند که ممکن در دهه‌های آینده از ایالات متحده نیز پیشی بگیرد.

از این رو جمهوری اسلامی به توجه به توان منطقه‌ای خود و نفوذی که در منطقه سرشار از انرژی دارد، ایفاگر نقش دولت تجدیدنظرطلب محدود است که از منظر سیاسی و ایدئولوژیکی، قدرت هژمونی امریکا را با چالش روبه‌رو کرده است؛ اما وجه دیگر این توافق، منافع اقتصادی، تجاری و نفوذی است که چین به عنوان دولت تجدیدنظرطلب نامحدود به دست می‌آورد. به این دلیل که با توجه به مختل شدن نظام مالی جهانی علیه ایران و قرار داشتن در لیست سیاه FATF، چین می‌تواند تکیه‌گاه مناسبی در این شرایط دشوار باشد. همچنان که این امیدواری برای ایران وجود دارد که از قبل فروش نفت به چین و یا تغییر موازنه قوا در سطح بین‌الملل از تک‌قطبی به چندقطبی، ایران بتواند نقش پررنگ‌تری ایفا نماید؛ اما نتایج این توافق در برخی موارد می‌تواند برتری را به چین ببخشد؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران به دلیل محدود شدن بازار مالی و تجاری خود، وابستگی بیشتری به چین پیدا می‌کند که خود نوعی ضعف برای یک کشور با خواسته تجدیدنظرطلبی محدود است.

همچنین اگر شرایط کنونی که ایران یک سازوکار مالی مناسبی با کشورهای مختلف ندارد، تداوم پیدا کند، احتمال رویگردانی چین از برخی مفاد توافق ۲۵ ساله یا سایر توافقات دوجانبه ایران و چین نیز وجود دارد؛ زیرا شواهد نشان داده است که چین هرچند در جدال میان امریکا و ایران، از ایران پشتیبانی می‌کند، اما این پشتیبانی بی‌حد و مرز نیست و چین به عنوان بازیگر تجدیدنظرطلب نامحدود نمی‌تواند تمام انرژی خود را به تقابل با امریکا مصرف کند. از این رو همواره از تحریم علیه ایران انتقاد کرده و مقامات ایرانی را به رفع تحریم‌ها ترغیب کرده است؛ بنابراین تجدیدنظرطلبی محدود در صورتی می‌تواند نقش ایران در منطقه خاورمیانه را ارتقاء ببخشد که بتواند استقلال بیشتری در برابر چین در پیش بگیرد و در عین حال برای بهره‌مندی از ضدیت چین با غرب، نسبت به اتخاذ یک سازوکار مالی و رفع تحریم‌ها بهره‌بردار.

منابع

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ هشتم. تهران: سمت.
والتز، کنت نیل (۱۳۹۲). *نظریه سیاست بین‌الملل*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، داریوش یوسفی. چاپ اول. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

References

- Allen, G. (2019). *Understanding China's AI strategy*. Center for a New American Security. <https://www.cnas.org/publications/reports/understanding-chinas-ai-strategy>
- Batmanghelidj, E. (2019, October 23). China's declared imports of Iranian oil hit a (deceptive) new low. *Bourse & Bazaar*. <https://www.bourseandbazaar.com/articles/2019/10/23/chinas-declaredimports-of-iranian-oil-hit-new-low-but-dont-believe-it>
- BP Statistical Review of Energy. (2014). *Energy outlook for 2005, 2009, 2011, and 2030*. London. http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/globalbp/globalbp_uk_english
- Corneliussen, A. E. (2021). *25-year China-Iran strategic agreement charts China-Iran economic corridor: Architecture & implications*. The Norwegian-British Chamber of Commerce. https://www.nrci.no/External/25year_China_Iran_Strategic.pdf

- Dehghani Firouzabadi, J. (2009). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Samt Publication. (In Persian)
- Erika, H., & Johan, E. (2020). *China and Iran – An unequal friendship* (FOI-R--4976—SE). FOI.
- Eslamee, S., & Soleimani Pournak, F. (2023). Opportunities and challenges of Iran's economic diplomacy in the context of the comprehensive strategic cooperation agreement with China. *International Political Economy Studies*, 5(2), 627–657. doi: 10.22126/ipes2022.7874.1474 (In Persian)
- Fassihi, F., & Myers, S. L. (2020, July 11). China and Iran near trade and military partnership. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2020/07/11/world/asia/china-iran-trade-military-deal.html>
- Figueroa, W. (2022, January 17). China and Iran since the 25-year agreement: The limits of cooperation. *The Diplomat*. <https://thediplomat.com/2022/01/china-and-iran-since-the-25-year-agreement-the-limits-of-cooperation>
- Gordon, T. (1994). Trend impact analysis. In *Futures Research Methodology*. New Jersey Institute of Technology. <http://www.foresight.pl/assets/downloads/publications/Gordon1994Trendimpact.pdf>
- Green, W., & Taylor, R. (2021). *China-Iran relations: A limited but enduring strategic partnership*. U.S.-China Economic and Security Review Commission.
- Guler, M. A. (2020). China and Iran: Obstacles to trade and revised goals for future. *Daily Sabah*. <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/china-and-iran-obstacles-to-trade-and-revised-goals-for-future>
- Hu, X., He, L., & Cui, Q. (2021). How do international conflicts impact China's energy security and economic growth? A case study of the US economic sanctions on Iran. *Sustainability*, 13(12), 6903. doi: 10.3390/su13126903
- Jennifer, L. (2021). The China-Iran 25-year cooperation agreement: What is it and should investors be encouraged? *China Briefing*. <https://www.middleeastbriefing.com/news/the-china-iran-25-year-cooperation-agreement-what-is-it-and-should-investors-be-encouraged/>
- Lamy, P. (2012). *Global value chains are binding us together*. World Trade Organization.
- Loft, P., Curtis, J., & Ward, M. (2022, August 26). *China and the US in the Middle East: Iran and the Arab Gulf*. Commons Library Research Briefing. <https://commonslibrary.parliament.uk>
- Obeid, H., Rana, F., & Kholoud, M. (2020). Artificial intelligence: Serving American security and Chinese ambitions. *Financial Markets, Institutions and Risks*, 4(3), 1–15.
- Rasooli Saniabadi, E. (2016). The study of hegemon's policy towards states in the Middle East based on the sociological approaches of international relations in the period of Barack Obama. *State Studies*, 2(7), 41–71. doi: 10.22054/tssq.2016.6778 (In Persian)
- Schweller, R. L. (2014). China's aspirations and the clash of nationalisms in East Asia: A neoclassical realist examination. *International Journal of Korean Unification Studies*, 23(2).
- Shafiee, N. (2022). Analysis of the 25-year Iran-China agreement in the light of China's foreign policy developments. *International Political Economy Studies*, 5(1), 175–200. doi: 10.22126/ipes2022.7454.1447 (In Persian)
- Siddhant, N. (2020). Indian perspective on Iran-China 25-year agreement. *E-International Relations*. <https://www.e-ir.info/2022/07/19/indian-perspective-on-iran-china-25-year-agreement>
- Singleton, C. (2022, September 7). How Beijing benefits from a new Iran deal. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2022/09/07/iran-nuclear-deal-china-us-geopolitics-middle-east-asia-gulf-sanctions-belt-road>
- Waltz, K. (2013). *Theory of international politics* (G. Chagnizadeh & D. Yousefi, Trans.). Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian)
- Yacoubian, A. (2019, November 15). Iran's increasing reliance on China. *The Iran Primer*. United States Institute of Peace. <https://iranprimer.usip.org/index.php/blog/2019/sep/11/irans-increasingreliance-china>